

درباره «هزارویک شب» که از قسمت ششم وارد دنیای موازی شد

ورود به داستان‌های کهن خاورمیانه

احسان طهماسبی | سریال «هزارویک شب» به کارگردانی مصطفی کیایی از قسمت ششم وارد دنیای موازی قصه‌های هزارویک شب شده است. از زمان انتشار نخستین قسمت، منتظر بودیم سریال در سه بستر زمانی و مکانی روایت شود و ماجراها در تهران امروز، استانبول و دنیای عرفانی «جهان دیگر» پیش بروند. با این حال جز سکانس ابتدایی قسمت اول که در فضای تاریخی داستان‌های هزارویک شب روایت می‌شد، تا پایان قسمت پنجم، دیگر خبری از تغییر زمان و مکان نبود. حالا در قسمت ششم، دو تا از شخصیت‌های اصلی به استانبول رفته‌اند و بخشی از داستان هم وارد دنیای موازی شده است. با ورد سریال به این دو بستر زمانی و مکانی جدید، می‌توانیم امیدوار باشیم که گره‌ها کم‌کم باز شوند و داستان مسیر جدیدی را دنبال کند.

مضمون و محتوا

هزارویک شب، نه کیی نعل به نعلی از کتاب عبد‌اللطیف طسوجی است و نه از نام این رمان مشهور به شکل تزئینی استفاده خواهد کرد. در واقع این طور به نظر می‌آید که این سریال سی و چند قسمتی قرار است در عین وفاداری به ایده مرکزی، منطبق با الگوهای سریال‌سازی معاصر بوده و قصه به‌روزتر و عوامانه‌تری را برای مخاطب تعریف کند. از این رو است که بر مبنای قسمت‌های آغازین، انتظار می‌رود خروجی هزارویک شب نسخه کیایی، با فاصله گرفتن از شیوه قصه‌گویی نسخه اصلی، مخاطب‌پسندتر و حتی سهل الوصول‌تر باشد. آنچه از اپیزودهای آغازین سریال و کشف رابطه عاشقانه یک‌سویه سمیر (با بازی پرویز پرستویی) به نیلوفر (مینو آرمیگین) استنباط می‌شود، درک حس خیانت در پادشاه (بخوانید سمیر) به عاملی برای خلق خشونت سیستماتیک علیه زنان (یا به تعبیری نیلوفر) منجر شده که از این نظر واکنش‌های کور و غیر قابل انتظار پادشاه/سمیر، داستان را بسط و گسترش داده است. از این رو است که سریال در آغاز، با رعایت تماتیک کتاب، سعی در ایجاد قربایت میان ذهن خواننده/ تماشاگر داشته و تصمیمات سرنوشت‌ساز بعدی را وابسته به خوی استبدادی شخصیت اول می‌کند. اینجاست که در فقدان حضور آشیان (با بازی سحر دولتشاهی) در قسمت‌های دوم و سوم، خلأحضور شهرزاد (بخوانید استراتژیست/ کنشگر) احساس شده و انتظار می‌رود با ورود او به جهان ناشناخته زمان (بهرام رادان) این موضوع به گونه‌ای دیگر پیگیری شود. البته از قسمت ششم، ماجرا وارد دنیای موازی قصه‌های هزارویک شب شده است و با ورود سریال به این بسترهای زمانی و مکانی جدید، می‌توانیم امیدوار باشیم که گره‌ها کم‌کم باز شوند و داستان مسیر جدیدی را دنبال کند.

تکنیک قصه‌گویی در کتاب و سریال



تابه اینجای کار می‌توان به تفاوت‌های زیادی در تکنیک‌های قصه‌گویی این دو نسخه رسید؛ روایت تودرتو در کتاب در مقابل روایت خطی و مستقیم سریال (در کتاب داستان

شاه و شهرزاد

Frame Story بوده و داستان‌های متعدد درون آن روایت می‌شود)، تعلیق از طریق گفت‌وگو و توقف روایت در کتاب در مقابل تعلیق از طریق کشمکش‌های میان شخصیت‌ها و داستان‌های پنهان آن‌ها در سریال (وقفه هدفمند در مقابل تعلیق بر پایه کنش)، قصه‌گویی به عنوان ابزار کنش در کتاب در مقابل قصه‌گویی به هدف سرگرمی در سریال و شخصیت‌پردازی تئییکال کتاب در مقابل شخصیت‌پردازی روان‌شناسانه سریال از جمله تفاوت‌های اصلی تکنیک‌های داستان‌سرایی این دو نسخه است.

نکته مهم و قابل تأمل این حذف، انتخاب میان حفظ تمام و کمال فرم و محتوای کتاب یا انتخاب یک ایدئولوژی به‌روزتر و به نوعی رسانه‌ای‌تر است.

آنچه تا به اینجا کار مشهود است، انتخاب کیایی و ثمنی به عنوان نویسندگان سریال موجب کاهش تأثیر کلام (و در واقع قصه) و تأکید بر پرداخت به میزانشن و تصویر است. نمی‌توان از این نکته صرف نظر کرد که این تصمیم می‌تواند با بررسی احوالات مخاطب عجول و کم‌حوصله امروزی در تصویرسازی قصه‌های شنیده و خلق یک موقعیت جدید داستانی، در ذهن نویسندگان پدید آمده باشد و از این رو است که تبدیل شهرزاد راوی به شخصی دیگر که موقعیت و کنش دراماتیک به همراه دارد در ادامه اپیزودهای سریال محتمل خواهد بود. از سویی دیگر اعمال این تغییرات، سریال را به جهان زیسته مخاطب نزدیک می‌کند و در صورت رعایت الگوهای استاندارد قصه‌پردازی، می‌تواند همدلی مخاطب و همراهی تماشاگر را تا آخرین قسمت به همراه داشته باشد.

رمان مفهومی یا سریال اجتماعی

نباید از این نکته غافل شد که تهی شدن سریال از بطن اصلی کتاب به جز کاهش یگانگی مفهومی و تقلیل به پیوند عنوانی این دو اثر، نتیجه‌ای برای سریال به همراه نخواهد داشت. در واقع، نویسندگان این سریال با فاصله گرفتن بیشتر از عناصر و مؤلفه‌های یاد شده، صرفاً اثری عاشقانه و در بهترین حالت اجتماعی را پیش چشم مخاطب خواهند گذاشت که خبری از شاعرانگی در آن نبوده و ضمن دور شدن از ابعاد اسطوره‌ای و فلسفی کتاب، خروجی نهایی با گفتمان معاصر هم‌راستار شده و بدین شکل اثری از وفاداری به اثر اصلی برجا نخواهد ماند.

آیا سریال از منطقه امن فاصله خواهد گرفت؟

تا اینجا ی کار، کیایی در هزارویک شب در تلاش است تا تعادلی میان واقع‌گرایی اجتماعی و ارجاعات اسطوره‌ای برقرار کند. اگر در ادامه این روند، سریال جسارت بیشتری برای گفت‌وگو و تعلیق پیدا کند و از منطقه امن خود تا حدودی فاصله گیرد، بی‌شک می‌تواند برای مخاطب جذاب‌تر و تماشایی‌تر شود. هر چند که سریال در قسمت‌های آغازین، ریتم کنترل شده و منسجمی را پیش گرفته اما ایجاد بحران‌ها و شوک‌های تأثیرگذار در عین حفظ تعلیق و ایجاد معنای عمیق‌تر در ادامه می‌تواند کمک شایانی به سریال کند.

فرهنگ و هنر

نگاهی به عملکرد صدا و سیما در شرایطی که تنها مرجع خبری مردم است

محافظه کاری در روزهای بحران



علی اصغر محکی: قطعی اینترنت و تعطیلی‌ها حداکثر تا ۷۲ ساعت می‌تواند کارکرد داشته باشد، ولی وقتی طولانی‌تر شود غیرمستقیم این پیام را به مردم می‌دهد که شرایط بحرانی همچنان ادامه دارد

خسارت‌دیدگان سبب ایجاد همدلی می‌شود و بسیار اهمیت دارد. صدا و سیما بایستی تولید روایت‌های بیشتری در این باره داشته باشد به ویژه با نیروهای امنیتی و انتظامی که مظلومانه آسیب دیدند. از آن سو نیز شبکه‌های ماهواره‌ای سعی می‌کنند این همدلی را با اغتشاشگران ایجاد کنند. این کارشناس رسانه می‌افزاید: البته در کنار این روایت‌ها، پیامک‌های پلیس و وزارت اطلاعات هم خانواده‌ها را خطاب قرار داده بود تا از جوانان و نوجوانان خودشان مراقبت کنند. برآورد پلیس این است که اگر حضور جوانان و نوجوانان که سوار بر هیجانات هستند از صف اغتشاشگران جدا شود، مدیریت ناآرامی‌ها راحت‌تر می‌شود. تجربه نشان داده نقش خانواده‌ها در این باره بسیار مهم است اما میزان تبعیت نوجوانان و جوانان از خانواده‌ها در این بزنگاه‌ها، نسبی و اندک است. وزارت اطلاعات هم در پیامک‌هایی از مردم درخواست همکاری برای گزارش موارد مشکوک داشته است.

طولانی‌شدن قطعی اینترنت چه پیام‌هایی دارد؟

به گفته محکی، کسانی که مشتری شبکه‌های ماهواره‌ای هستند از جنس معترضانی‌اند که احساس می‌کنند حرفشان در صدا و سیما شنیده نمی‌شود و اضافه می‌کند: در اینجا ضدکارکردی که ایجاد می‌شود، تبدیل معترض به اغتشاشگر است؛ کاری که شبکه‌های فارسی‌زبان معاند انجام می‌دهند در حالی که صدا و سیما با رویکردی درست، ضمن تأیید اعتراض‌ها سعی می‌کرد صف معترضان را از صف اغتشاشگران جدا کند. شبکه خراسان رضوی هم کار متفاوتی انجام داده بود و طی گزارشی، برآورد مالی خسارات را اعلام کرد و یادآور شد این خسارت‌ها در آینده از جیب مردم جبران هزینه می‌شود.

این استاد ارتباطات با اشاره به تعطیلی مدارس و

دانشگاه‌ها، ادارها و کسبه به موازات تصمیماتی که برای مصرف رسانه‌ای مردم گرفته شده بود، می‌گوید: طبیعتاً وقتی اعلام تعطیلی می‌شود، اینترنت قطع است و از مردم دعوت می‌کنیم به ناآرامی‌ها نروند، مردم یا تلویزیون می‌بیند یا ماهواره. در چنین شرایطی آن‌ها را ناخواسته به سمتی می‌بریم که عده‌ای از سر کنجکاوی بیرون می‌روند و در تجمعات و شلوغی‌ها، تفکیک افراد از هم سخت می‌شود، اینکه به خاطر کنجکاوی آمده یا برای اعتراض یا خرابکاری! به باور وی، تعطیلی‌ها شاید در جلوگیری اولیه از شکل‌گیری اجتماعات تا حدودی مؤثر باشد اما به تلقی ذهنی اضطراب‌ری بودن شرایط دامن می‌زند و توضیح می‌دهد: هر چه تعطیلی‌ها طولانی‌تر شود، تلقی ذهنی مردم از بحرانی بودن اوضاع بیشتر می‌شود و لو اینکه در کوتاه‌مدت ممکن است به کاهش خسارت کمک کند. از سوی دیگر کسبه هم باید سر کار باشند و بر هم خوردن روال عادی موجب التهابات ذهنی در جامعه می‌شود، این مسائل در اتاق فکر برنامه‌ریزان برای اقدامات پیشگیرانه باید مورد توجه قرار گیرد.

محکی با بیان اینکه قطعی اینترنت و تعطیلی‌ها حداکثر تا ۷۲ ساعت می‌تواند کارکرد داشته باشد، ولی وقتی طولانی‌تر شود غیرمستقیم این پیام را به مردم می‌دهد که شرایط بحرانی همچنان ادامه دارد، می‌گوید: وقتی اینترنت قطع است نیروهای همراهی که می‌خواهند پیام‌ها و روایت‌هایی را به مخاطبان بدهند، دستشان بسته است. شاید وصل بودن اینترنت به تولید روایت نیروهای معاند هم کمک می‌کند ولی با قطعی اینترنت، ماهواره همان کارکرد را برایشان دارد.

او تأکید می‌کند: اتاق‌های فکر پدافند غیرعامل در این شرایط باید بتوانند برای تمام اتفاقات تعیین نقش

کنند و به فکر فعالیت کنشگران اجتماعی و دلسوزان

هم برای برقراری امنیت و آرامش باشند.

محکی با بیان اینکه بخش عمده معترضان و کسانی که تحرکات تخریب‌گرانه دارند، نوجوانان و جوانان هستند، یادآور می‌شود: چون اطلاعات دینی و اخلاقی در این نوجوانان ضعیف است و با اندرزهای دینی و اخلاقی صدا و سیما هم نمی‌شود اقناعشان کرد، در این بزنگاه‌ها درگیر هیجانات لحظه‌ای شده و پس از کاری که کرده‌اند پشیمان می‌شوند. اگر حرف‌ها و اظهاراتشان منعکس شود می‌تواند مؤثر باشد.

وی اضافه می‌کند: اگر این ناآرامی از سوی بخش محدود نیروهای آموزش‌دیده و تروریستی ادامه یابد ترور هدفمند، برنامه‌بعدی آن‌هاست چون تلاش دارند مسیر اعتراض را به سمت اغتشاش ببرند و از سپر انسانی برای اقدامات تروریستی‌شان استفاده کنند؛ مردم باید نسبت به این موضوع آگاه و هوشیار شوند.

دود آتش تخریب‌ها به چشم مردم می‌رود

تقی دژاکام، روزنامه‌نگار و کارشناس رسانه نیز درباره عملکرد صدا و سیما در اطلاع‌رسانی اخبار بحران می‌گوید: من در این چند روز، اخبار صدا و سیما را دائماً رصد می‌کردم و به نظرم شبکه خبر و شبکه یک عملکرد قابل قبولی داشتند اگرچه می‌توانستند عملکرد بهتری داشته باشند چون تعداد اخبار تکراری، زیاد بود.

او با بیان اینکه صدا و سیما برای تشریح شرایط فعلی بایستی از کارشناسان طیف‌های مختلف دعوت کند و در مصاحبه‌های مردمی، مباحثه‌های رفت و برگشتی داشته باشد، تأکید می‌کند: رسانه‌های رسمی و شبکه‌های خبری سیما بایستی روی عواقب و آثار تخریب بیت‌المال و اموال عمومی تأکید بیشتری کنند تا مردم نسبت به این موضوع آگاه شوند و بدانند اتوبوسی که آتش گرفته، چقدر زمان و هزینه می‌برد تا جایگزین شود و به چرخه حمل و نقل عمومی برگردد. در شهرهایی که ده‌ها اتوبوس از بین رفته است، چقدر طول می‌کشد که از محل درآمدهای مردمی و مالیات‌ها، دوباره به چرخه حمل و نقل عمومی برگردند و حتماً دودش به چشم مردم می‌رود.

او با بیان اینکه صدا و سیما علاوه بر نشان دادن جنبه‌های هشداردهنده بایستی تعارف را کنار بگذارد و درباره عواقب اقدامات خرابکارانه و تخریب

اموال عمومی، صریح‌تر با مردم صحبت کند. یادآور می‌شود: رده سنی بچه‌هایی که در آشوب‌ها رفتارهای هیجانی دارند ۱۳ تا ۱۸ سال است و نقش والدین در بازدارندگی نوجوانان اهمیت دارد، صدا و سیما بایستی درباره این مسائل به صراحت به خانواده‌ها هشدار بدهد.

دژاکام با بیان اینکه شبکه‌های فارسی‌زبان معاند وظیفه‌شان را به درستی انجام می‌دهند تا مردم و جوانان را به خیابان‌ها بکشانند و با تفرقه‌افکنی در جامعه سبب تخریب نظام شوند، بر اهمیت وحدت آفرینی در رسانه‌های داخلی تأکید کرده و می‌گوید: رسانه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای با استفاده از ناآگاهی عده‌ای از مردم به ویژه چهل نسل جوان، کارش را پیش می‌برد و با دروغ برنامه‌سازی می‌کند، دروغ‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی که از دوران رژیم پهلوی دارند از جمله آن‌هاست و چون نسل جوان و نوجوان، واقعیت‌های آن دوران را نمی‌دانند، ناخواسته وارد زمین دشمن می‌شوند.

او با تأکید بر ضرورت استفاده از کارشناسان طیف‌های مختلف و تکیه بر هم‌گرایی ملی در صدا و سیما خاطر‌نشان می‌کند: چند شب پیش، ماشاءالله شمس‌الواعظین به تلویز یون دعوت شده بود و او به نکته بسیار خوبی اشاره کرد که اگر من حزب‌اللهی آن حرف را بزنم یک شمنی دارد و وقتی آقای شمس‌الواعظین می‌گوید یک معنی دیگر، او از خشونت‌های این روزها به حمله دوم اسرائیل به ایران تعبیر کرد که حرف بسیار مهم و اثرگذاری بود.

وی در پایان یادآور می‌شود: دعوت از میهمانان و کارشناسان طیف‌های مختلف به سیما باید بیشتر شود. حتی اگر کسانی نظرات دیگری دارند باید حرف بزنند تا مردم خودشان تصمیم بگیرند که به نظر می‌رسد تا الان صدا و سیما در این زمینه کم‌کاری و

محافظه کاری داشته است.



مناطق بیلاقی و بکر زندگی کرده، این تجربه از او قدرتی ساخته که حالا در رمانش آن را نمایان کرده است. اما امان از آن ضربه آخر؛ ضربه‌ای که انتهای کتاب از افشای یک حقیقت بر خواننده وارد می‌شود و داستان را در ذهن مخاطب ماندگار می‌کند.

راستش من به آخر داستان رسیدم مات و مهیوت مانده بودم و حتی نمی‌توانستم کتاب را زمین بگذارم. نمی‌دانم یک نویسنده چطور در نخستین قدم نویسندگی می‌تواند این‌گونه بنویسد و مهارت‌هایش را در نوشتن به رخ بکشد؟

دوست دارم بچه هر آدمی را که می‌بینم، بگیرم و به او بگویم: «خواهش می‌کنم، «سرزمین از هم گسیخته» را بخوان!».